

تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد (هزینه)

در استان اصفهان

(۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)

نویسندگان: دکتر صادق بختیاری
 خدیجه نصراللهی
 دکتر مصطفی عمادزاده*

چکیده

سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ایران از سال ۱۳۶۸ به مورد اجرا درآمد که عمدتاً شامل حذف یارانه‌ها، کاهش کسر بودجه دولت، و خصوصی‌سازی اقتصاد بود. این برنامه‌ها، گذشته از اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی کلان در چهارچوب هدف‌های کلی، رفع عدم تعادل‌های داخلی و خارجی و ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد اقتصادی مستمر، توزیع درآمد در کوتاه‌مدت و میان‌مدت را به طور اجتناب‌ناپذیر تحت تأثیر قرار می‌دهند. به استناد متون موجود، آثار برنامه‌های تعدیل بر توزیع درآمد به ویژه قشرهای فقیر، نزاع برانگیزترین جنبه آثار گوناگون این برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، قابلیت پذیرش سیاسی و امکان موفقیت تداوم این

برنامه‌ها در آینده بستگی به ماهیت این اثرها دارد. بررسی آثار توزیعی ناشی از این سیاست‌ها نقش محوری را در این پژوهش به عهده دارد. ارزیابی وضعیت هزینه‌های مصرفی مناطق شهری و روستایی استان اصفهان طی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ (سال‌های برنامه اول جمهوری اسلامی ایران) ما را به نتایج احتمالی زیر رهنمون می‌گردد. از این که انواع هزینه‌های مصرفی طی این دوره افزایش یافته می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً وجود شرایط تورمی ناشی از سیاست‌های اجرایی یکی از عوامل اصلی این افزایش بوده و این شرایط تورمی موجب افزایش شکاف طبقاتی شده است. در مناطق شهری، افزایش هزینه با بدتر شدن وضعیت تغذیه‌ای همراه بوده است. به این مفهوم که میزان و میدان اثر شرایط تورمی در مناطق شهری استان اصفهان گسترده‌تر می‌باشد. شاید دلیل آن، وابستگی بیشتر این مناطق به نظام‌های حمایتی دولت است که طی این دوره کم رنگ‌تر شده است. اطلاعات مربوط به سطح کلان نیز مؤید آثار نامساعد اعمال سیاست‌های تعدیل بر شرایط اقتصادی و به ویژه وضعیت تغذیه‌ای ساکنان اصفهان می‌باشد. زیرا رفتار شهروندان اصفهانی نیز از کارکرد متغیرهای کلان متأثر بوده است، به این ترتیب که روند افزایش هزینه‌های مصرفی در الگوی مصرفی آنان با روند افزایش هزینه‌های مصرفی در سطح کلان هماهنگ می‌باشد. نتایج پژوهش تحقیق نشان می‌دهد که به دلیل وجود نظام حمایتی حاکم، در حالی که هزینه‌های خوراکی به شکل نسبتاً متوازی توزیع شده است، توزیعی هزینه‌های غیرخوراکی با دوام کاملاً نامتوازن است.

مقدمه

معمولاً پس از بروز عدم تعادل‌های داخلی و خارجی کلان در اقتصاد هر کشور، نظیر کسری تراز پرداخت‌های خارجی، کسر بودجه مزن، تورم روزافزون، و به طور کلی، رشد منفی اقتصادی بروز می‌کند. یکی از روش‌های برخورد با این شرایط، اجرای سیاست‌های اقتصادی تحت عنوان برنامه تعدیل اقتصاد می‌باشد. در ایران، این برنامه‌ها در قالب دو برنامه عمرانی پنجساله (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) به اجرا در آمد. در حالی که به طور منطقی، از جمله مشخصه‌های عمده برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه باید

حداکثر نمودن رشد اقتصادی و متعادل ساختن توزیع درآمد باشد. حداکثر کردن رشد اقتصادی نه تنها موجب افزایش هر چه بیشتر رفاه مادی می‌گردد، بلکه احتمالاً توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از رشد از جمله درآمدها را نیز به دنبال دارد.

رشد نامتوازن و ناقص، و به دنبال آن، دوگانگی اقتصادی در ایران، موجب جدایی شهر و روستا، و به عبارتی، شهرهای بزرگ از شهرهای کوچک و روستاها شده است. این عامل در کنار شرایط ویژه جغرافیایی و اقلیم متفاوت و گوناگون منجر به توسعه نابرابر مناطق در ایران گردیده است. در طول این روند، چند شهر بزرگ چون تهران، اصفهان، شیراز، آبادان و تبریز در اطراف قطب‌های بزرگ سیاسی و نفتی توسعه سریعی یافتند. در حالی که سایر شهرها و نواحی کشورمان نه تنها بهره‌ای نبرده، بلکه در مواردی ضربه‌های جبران‌ناپذیری را نیز متحمل شدند.

بسیاری از کارشناسان این نابرابری را ناشی از اجرای سیاست‌های کلان می‌دانند. براساس یک طرح پژوهشی با عنوان بررسی برخی از علل اقتصادی مؤثر در مهاجرت نیروی کار ایران، با استفاده از روش تحلیل تاکسونومی، ۱۳۹ شاخص توسعه را در ۲۴ استان کشور براساس آمار سال ۱۳۶۵ ارزیابی کرده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، استان فارس، کمترین درجه توسعه نیافتگی با رقم ۰/۷۷۲، و استان ایلام با رقم ۰/۹۸۴ بیشترین درجه توسعه نیافتگی را داشته‌اند. همچنین امیر احمدی (۱۳۷۵) با ارائه شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناسی استان‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند: «تحلیل داده‌های برگرفته شده از منابع دولتی برای ۲۳ استان در طول دوره‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۵۵ و ۱۳۵۵ - ۱۳۶۳ وجود نابرابری‌های حاد میان استان‌های ایران را آشکار می‌سازد.» یکی از فرضیه‌هایی که این پژوهش در پی آزمون آن است، دامنه تأثیر سیاست‌های کلان به اجرا درآمده با توجه به دو مقطع زمانی انتخاب شده (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) می‌باشد. روش آزمون این فرضیه از طریق محاسبه درآمد سرانه و وضعیت توزیع و تغییرات آن می‌باشد. اما با توجه به این که درآمد سرانه و تغییرات آن (به ویژه برای استان‌ها) به تنهایی نمی‌تواند شاخص مطمئنی برای اندازه‌گیری سطح رفاه منطقه باشد، از معیارها و شاخص‌های دیگر توزیع درآمد نیز استفاده شده است.

۱. برای آشنایی بیشتر با پدیده دوگانگی در اقتصاد ایران، نگاه کنید به: قره باغیان، ۱۳۷۵؛ امیراحمدی، ۱۳۷۵؛ مجلس و پژوهش، ۱۳۷۵.

کسب اطلاعات در زمینه توزیع درآمد مشکل و اطلاعات حاصله از قبلیت اعتماد چندانی برخوردار نیست. از این رو، بسیاری از صاحب‌نظران اطلاعات مربوط به توزیع هزینه‌های مصرفی را جانشین مناسبی برای توزیع درآمد می‌دانند.^۱ علاوه بر این، یکی از عواملی که سطح رفاه منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سهم هر یک از این انواع هزینه در ناحیه جغرافیایی مورد نظر می‌باشد که آن هم از وضعیت توزیع درآمد متأثر است و نحوه توزیع سهم هزینه‌ها نیز یکی دیگر از شاخص‌های رفاهی جامعه آماری مورد بررسی می‌باشد. به عبارتی، فرضیه دیگر مورد آزمون این است که آیا الگوی مصرف استان اصفهان از این نظریه تبعیت می‌کند که به موازات افزایش سطح درآمد یا سطح هزینه، سهم هزینه‌های خوراکی کاهش و سهم هزینه‌های غیرخوراکی به ویژه هزینه‌های غیرخوراکی بادوام افزایش می‌یابد؟ و این تغییرات تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟

مطالعه شاخص‌های توزیع درآمد و الگوی مصرف در استان اصفهان طی دوره ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲، از این لحاظ دارای اهمیت است که دولت از سال ۱۳۶۸ نخستین مرحله از اقدام‌های مربوط به تعدیل ساختار اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشت و از این نظر این مقطع می‌تواند مبنای مناسبی برای مقایسه در سطح کلان یا ملی و همچنین در سطح منطقه‌ای یا محلی باشد. توزیع درآمد و تغییرات به وقوع پیوسته طی این دوره، از آن جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که یکی از پرسش‌های اساسی مطروحه این است که آیا اعمال سیاست‌های تعدیل تأثیری بر تغییر شکاف طبقاتی داشته است؟

۱. در گزارش طرح بررسی آماری بودجه خانوار (فقر و توزیع درآمد) اشاره شده است: لازم به یادآوری است که در آمارگیری بودجه خانوار، هزینه خانوار برحسب اقلام ریز هزینه مورد پرسش قرار می‌گیرد. در صورتی که درآمد خانوار به صورت کلی برحسب چند منبع عمده درآمد پرسیده می‌شود. به همین دلیل نیز ارقام درآمد کمتر از میزان واقعی گزارش می‌شود. لکن ارقام هزینه چون به تفکیک صدها قلم مورد پرسش قرار می‌گیرد... قابلیت اعتبار بیشتری دارد. به همین دلیل، در گزارش حاضر، مانند اکثر مطالعاتی که در این زمینه در کشورهای مختلف انجام می‌شود، هزینه ناخالص خانوار مبنای بررسی قرار خواهد گرفت.

بدین ترتیب، بخش اول مقاله به روش پژوهش اختصاص می‌یابد و در بخش دوم وضعیت توزیع هزینه‌های مصرفی استان اصفهان در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ تحلیل می‌گردد. در بخش سوم، رفتار هزینه‌های دهک‌های مختلف درآمدی استان بررسی و با کل کشور مقایسه می‌گردد. در بخش چهارم، رفتار مصرفی مصرف‌کنندگان انواع هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ مناطق شهری و روستایی استان تحلیل خواهد شد. بخش نهایی مقاله، به استنتاج و ارائه رهیافت اختصاص خواهد یافت.

۱. روش پژوهش

به منظور ارزیابی غیرپارامتریکی^۱ وضعیت توزیع درآمد در استان اصفهان به دو ابزار اساسی نیاز بود: یکی نرم‌افزار رایانه‌ای و دیگری اطلاعات خام. منبع داده‌های اولیه این پژوهش، آمارگیری هزینه - درآمد خانوارهای نمونه در استان‌های مختلف کشور، از مجموعه آمارهای بانک اطلاعاتی مرکز آمار ایران می‌باشد.

نظر به این که استفاده از اغلب نرم‌افزارهای کاربردی رایانه‌ای برای تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری‌های مربوطه نیاز به داده‌های متجانس است، بنابراین، استخراج اطلاعات همگن، متجانس و هماهنگ با نیازهای پژوهش، اولین گام در فرایند تحلیل داده‌های این پژوهش بود. انجام اقدامات مقتضی منجر به کسب اطلاعات همگن راجع به هزینه‌های مصرفی خانوار نمونه‌گیری شده شامل خوراکی و غیرخوراکی، بادوام و کم دوام از آن مجموعه در قالب کدهای پنج رقمی گردید. تعداد خانوارهای نمونه که در سال ۱۳۶۸ در نواحی روستایی استان اصفهان نمونه‌گیری شده ۲۳۵ خانوار و تعداد خانوار نمونه شهری ۲۹۵، و جمعاً ۵۳۰ خانوار حجم کل نمونه آمارگیری شده می‌باشد. در سال ۱۳۷۲، ۵۳۰ خانوار روستایی و ۵۹۸ خانوار شهری و جمعاً ۱۱۲۸ خانوار آمارگیری شده‌اند.

در این پژوهش، اولاً به منظور تعیین وضعیت شهروندان اصفهانی و امکان مقایسه نتایج نسبت به شهروندان کشور نسبت انواع هزینه‌های فرد نوعی استان اصفهان و کشور به تفکیک شهر و روستا محاسبه گردید.^۱ ثانیاً برای ارزیابی تغییر وضعیت شهروندان اصفهانی طی دوره مورد مطالعه (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) نسبت انواع هزینه‌های فرد نوعی استان اصفهان به تفکیک شهر و روستا در سال ۱۳۷۲ به سال ۱۳۶۸ اندازه‌گیری شده است. ثالثاً در این پژوهش، از شاخص‌های متعدد توزیع، از جمله محاسبه سهم ۴۰٪ محروم‌ترین، ۴۰٪ متوسط درآمد و ۲۰٪ غنی‌ترین و نسبت سهم ۱۰٪ انتهایی گروه‌های هزینه‌ای به ۱۰٪ اول، ۲۰٪ انتهایی به ۲۰٪ ابتدایی و نسبت مصرف شهر به روستا استفاده شده است. همچنین در این پژوهش، از شاخص‌های معروف و متداول تغییرات نسبی، ضریب جینی، و ضریب بی‌نظمی تایل نیز استفاده به عمل آمده است. ابتدا هر یک از شاخص‌های فوق به طور مختصر معرفی می‌گردد.

واریانس:

$$v = (1/n) \sum_{i=1}^n (y_i - \mu)^2$$

این شاخص مستقل از مقیاس نیست، ولی استاندارد نمودن آن با استفاده از میانگین μ یک شاخص ترتیبی، ولی نه کمی، به نام ضریب تغییرات نسبی را به دست می‌دهد.

ضریب تغییرات نسبی:

$$c = \sqrt{v/\mu}$$

ضریب جینی:

یکی از متداول‌ترین شاخص‌های نابرابری، ضریب جینی است که ارتباط نزدیکی با منحنی لورنز استخراج شده دارد و برابر است با نسبت سطح بین منحنی لورنز واقعی و قطر مربع، یعنی توزیع کاملاً برابر به کل سطح زیر قطر. دامنه تغییرات این ضریب بین یک (توزیع کاملاً نابرابر) و صفر (کاملاً برابر) می‌باشد. در حقیقت، G نصف میانگین نسبی اختلاف درآمدی است - متوسط قدرمطلق اختلاف درآمد بین هر جفت مشاهده نسبت به میانگین. یعنی:

۱. برای این منظور، اطلاعات کشوری از نتایج مطالعات پژوهان (۱۳۷۳) استخراج شده است.

$$G = [1/(2n^2\mu)] \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |y_i - y_j|$$

شاخص بی‌نظمی تاییل:

شاخصی است که مقدماتاً از یک سری ملاحظات متفاوت‌تری حاصل شده است و به شکل زیر محاسبه می‌گردد:

$$T = (1/n) \sum_{i=1}^n (y_{i/\mu}) \text{Log}(y_{i/\mu})$$

تفسیر این شاخص نیاز به اندکی توضیح در خصوص نظریه نظام‌های اطلاع‌رسانی دارد. این نظریه به ارزش‌گذاری اطلاعات حاصل از یک نتیجه ممکن از موارد محتمل الوقوع مربوط است. فرض کنید n واقعه مانع‌الجمع وجود داشته باشد که هر یک با احتمال خاص P_i ($i=1, \dots, n$) به وقوع می‌پیوندند. و $0 \leq P_i \leq 1$ و $\sum_{i=1}^n P_i = 1$ اگر یک واقعه خاص بسیار نادر باشد، ارزش اطلاعاتی پیامی که بیان‌کننده وقوع آن است بسیار بالاست، در حالی که ارزش اطلاعاتی وقایع معمولی پایین است. از این رو، اگر $h(p_i)$ مقدار منعکس‌کننده تابع باشد، تابع p_i نزولی خواهد بود. در این زمینه باید توجه داشت که برای آگاهی یافتن از مضمون اطلاعات مربوط به دو رویداد مستقل آماری به وقوع پیوسته i و j نیاز به مجموع ارزش پیامدهای جداگانه آنها خواهد بود. چون p_i و p_j را احتمال وقوع دو رویداد i و j در نظر گرفته شد، پس مضمون اطلاعات می‌باید:

$$h(p_i, p_j) = h(p_i) - h(p_j)$$

و تابع کاهنده موردنظر دارای این خاصیت است که $h(p_i) = -\log(p_i)$ محتوای اطلاعاتی مورد انتظار (بی‌نظمی یا اختلال) کل سیستم توسط حاصل جمع وزنی $h(0)$ ‌های موزون شده توسط احتمال مربوطه حاصل می‌شود. یعنی:

$$\sum_{i=1}^n h(p_i) p_i = - \sum_{i=1}^n \text{Log}(p_i) p_i$$

عبارت فوق، در واقع، شاخصی است از درجه‌ای که نسبت به آن، احتمال وقایع مختلف یکسان است. حداکثر ممکن $\sum h(1/n)1/n$ زمانی به وقوع می‌پیوندد که وقایع درجه احتمال برابر دارند، یا به عبارتی، توزیع آنها یکنواخت است. هر چه بی‌نظمی بیشتر باشد، اختلاف احتمال به مقدار کمتر از این کاهش می‌یابد. این شاخص، در حقیقت، مقادیر واقعی را از حداکثر بی‌نظمی کسر می‌کند. بنابراین، هر چه بی‌نظمی بیشتر باشد T بزرگ‌تری حاصل می‌شود:

$$\sum h(1/n)1/n - \sum h(p_i)p_i = \sum p_i[(\text{Log}(p_i) - (\log 1/n))]$$

تحلیل‌شناسی^۱ بین بی‌نظمی و نابرابری توزیع فراهم‌کننده منطق استفاده از چنین شاخصی در مطالعات توزیعی است. اگر سهم توزیع $s_i = y_i/n(\mu)$ ، $i=1, \dots, n$ جایگزین احتمالات شود T را نتیجه می‌دهد. در محاسبات مربوط به توزیع درآمد در استان اصفهان از سه شاخص ضریب تغییرات نسبی، جینی و بی‌نظمی تایلر سود خواهیم جست.

۲. تحلیل وضعیت توزیع هزینه‌های مصرفی استان اصفهان (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)

وضعیت توزیع هزینه‌های مصرفی استان در سال ۱۳۶۸ بدین گونه بوده است که در ارتباط با هزینه‌های خوراکی سهم ۴۰٪ جمعیت کم درآمد در سطح مناطق شهری استان ۱۵٪ بوده است. اما سهم ۴۰٪ با درآمد متوسط در استان اصفهان ۴۸٪ و سهم ۲۰٪ با درآمد بالا در استان اصفهان ۲۶٪ است که این منعکس‌کننده متوازن‌تر بودن توزیع هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور می‌باشد. زیرا ارقام فوق، به ترتیب، برای کل کشور برابر ۱۵٪، ۳۸٪ و ۴۲٪ است. این مسئله از شاخص جینی محاسبه شده در این زمینه نیز قابل استنباط است، به ترتیبی که ضریب جینی برای هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان ۰/۳۵ بوده، در حالی که در سطح کشور ۰/۴۲ بوده است (جدول ۱).

وضعیت توزیع هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان در سال ۱۳۷۲، بهبود کلی پیدا کرده است، به ترتیبی که سهم ۲۰٪ فقیرترین گروه‌های جمعیتی از ۴٪ به ۸٪ و سهم ۴۰٪ جمعیت کم درآمد از ۱۵٪ به ۲۳٪ افزایش یافته است. این، در شرایطی است که سهم ۴۰٪

با درآمد متوسط و ۷۰٪ با درآمد بالا، به ترتیب، از ۴۸٪ به ۴۴٪ و ۳۶٪ به ۳۴٪ تقلیل یافته که منجر گردیده به این که ضریب جینی هزینه‌های خوراکی مناطق شهری استان اصفهان در سال ۱۳۷۲ به ۰/۲۷ تقلیل یابد، اندازه‌ای که منعکس‌کننده توزیعی بسیار مناسب می‌باشد. ضریب تایل هم که منعکس‌کننده بی‌نظمی درون توزیعی است برای سال ۱۳۷۲ بهبود یافته یعنی از مقدار ۰/۳۸ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۲۲ در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است (جدول ۱).

در مورد هزینه‌های غیرخوراکی کم دوام در مناطق شهری استان اصفهان نیز وضعیت مشابهی ملاحظه می‌شود، به این ترتیب که سهم ۲۰٪ کم درآمدترین از ۳٪ در سال ۱۳۶۸ به ۶٪ در سال ۱۳۷۲ رسیده و ۴۰٪ کم درآمدها از ۹٪ به ۱۹٪ افزایش داشته است، در حالی که گروه‌های با درآمد بالا تقلیل سهم داشته‌اند، به شکلی که سهم آنها از ۵۶٪ به ۴۰٪ افت پیدا کرده است. ضریب جینی این قلم هزینه‌ها از ۰/۵۲ در سال ۱۳۶۸ به ۰/۳۳ و ضریب بی‌نظمی تایل از ۰/۶۵ به ۰/۲۸ در سال ۱۳۷۲ رسیده است (جدول ۱).

همچنین سطح هزینه‌های کم دوام غیرخوراکی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی در سال ۱۳۷۲ و در مقایسه با سال ۱۳۶۸ افزایش داشته، به طوری که نسبت مصرف شهر به روستا در سال ۱۳۶۸، از ۱/۶ به ۲/۵۴ در سال ۱۳۷۲ رسیده است. به عبارت دیگر، شکاف بین شهر و روستا در این زمینه گسترده‌تر شده است. همین استدلال برای هزینه‌های خوراکی برقرار است، به ترتیبی که این رقم از ۰/۹۹ در سال ۱۳۶۸ به ۱/۶۷ در سال ۱۳۷۲ رسیده است (جدول ۲).

یکی از مزیت‌های این پژوهش با توجه به اطلاعات موجود در این پایگاه اطلاعاتی، تفکیک هزینه‌های مصرفی بادوام از هزینه‌های مصرفی کم دوام اعم از خوراکی و غیرخوراکی می‌باشد. با مراجعه به جدول‌های ۱ و ۲، ملاحظه می‌گردد که براساس محاسبات پژوهش، هزینه‌های کم‌دوام در سال ۱۳۷۲، به شدت کاهش یافته و برعکس بر میزان هزینه‌های بادوام اضافه شده و این تغییر رفتار در مناطق شهری به طور حادثری مشهود است.

وضعیت توزیع هزینه‌های غیرخوراکی بادوام در مناطق شهری و روستایی متفاوت است، به این ترتیب که سهم گروه‌های کم درآمد و گروه‌های با درآمد بالا در مناطق روستایی استان اصفهان تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. مراجعه به جدول ۲ مشخص می‌کند سهم ۲۰٪ فقیرترین، ۴۰٪ کم درآمد، ۴۰٪ متوسط درآمد و ۲۰٪ با درآمد بالای گروه‌های هزینه‌ای در مناطق روستایی استان اصفهان، به ترتیب، در سال ۱۳۶۸، برابر ۱٪، ۴٪، ۲۸٪، ۷۰٪، است و در سال ۱۳۷۲، ۱٪، ۵٪، ۲۶٪ و ۶۹٪ می‌باشد. بنابراین، با توجه به این شاخص‌ها، تغییر چندانی در وضعیت توزیع در مناطق روستایی استان ملاحظه نمی‌گردد. این در حالی است که بی‌نظمی‌های توزیع افزایش یافته، به شکلی که در مناطق روستایی استان اصفهان تغییرات نسبی از ۲/۳۵ در سال ۱۳۶۸ به ۲/۵۴ در سال ۱۳۷۲، ضریب جینی از ۰/۶۳ به ۰/۶۷ و ضریب بی‌نظمی تایل از ۰/۴۹ به ۱/۳ افزایش یافته است (جدول ۲).

در مورد هزینه‌های غیرخوراکی بادوام در مناطق شهری استان اصفهان تصویر کاملاً برعکس می‌باشد، به این ترتیب که از سهم گروه‌های کم درآمد در این زمینه کاسته و به سهم گروه‌های با درآمد بالا اضافه شده است. به عبارتی، سهم ۲۰٪ فقیرترین، ۴۰٪ کم درآمد، ۴۰٪ متوسط درآمد و ۲۰٪ با درآمد بالای گروه‌های هزینه‌ای، به ترتیب، در سال ۱۳۶۸، ۲٪، ۸٪، ۲۲٪ و ۷۰٪ در سال ۱۳۷۲، به ۱٪، ۴٪، ۲۳٪ و ۷۲٪ رسیده است. این در حالی است که نسبت سهم هزینه‌های ده درصد انتهایی به ده درصد ابتدایی توزیع و بیست درصد انتهایی به بیست درصد ابتدایی توزیع از ۵۲ و ۲۳/۶ در سال ۱۳۶۸ به نامعین^۱ و ۷۲ در سال ۱۳۷۲ تغییر یافته است. این نکته از این لحاظ قابل توجه است که سهم هزینه‌های غیرخوراکی بادوام، به طور متوسط، در مناطق شهری از ۱۴٪ در سال ۱۳۶۸ به ۳۱٪ در سال ۱۳۷۲ ارتقا یافته است. (مقایسه ارقام مربوط به جدول‌های ۳ و ۴) این تغییر سهم هزینه‌های غیرخوراکی بادوام با توجه به شرایط اقتصادی موجود در کشور در سال ۱۳۷۲ منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد.

۱. به این معنا که در مورد این نوع هزینه‌ها سهم ده درصد ابتدایی آن قدر تقلیل یافته که به صفر نزدیک شده است.

جدول ۳. سهم سرانه انواع هزینه دهک‌های جمعیتی (سال ۱۳۳۸)

دهک‌ها	شهر				روستا			
	هزینه خوراک و غیرخوراکي كه دوام	هزینه غیرخوراکي ناخالص با دوام	هزینه غیرخوراکي كه دوام	هزینه خوراکي	هزینه خوراکي و غيرخوراکي كه دوام	هزینه غیرخوراکي ناخالص با دوام	هزینه غیرخوراکي كه دوام	هزینه خوراکي
۱ میانگین	۰/۱۵۷	۰/۱۳۳	۰/۳۹۳	۰/۳۶۴	۰/۹۵۳	۰/۰۳۷	۰/۳۲۱	۰/۷۷۲
۲	۰/۱۸۹	۰/۱۱۱	۰/۴۲۲	۰/۴۵۷	۰/۹۷۵	۰/۰۳۵	۰/۳۲۷	۰/۵۳۸
۳	۰/۱۷۴	۰/۱۲۶	۰/۳۶۰	۰/۵۱۴	۰/۹۷۷	۰/۰۳۳	۰/۳۷۱	۰/۵۰۶
۴	۰/۱۵۶	۰/۱۳۴	۰/۴۲۹	۰/۳۳۶	۰/۹۶۰	۰/۰۴	۰/۳۱۱	۰/۵۶۹
۵	۰/۹۰۹	۰/۰۹۱	۰/۳۸۴	۰/۵۳۶	۰/۹۱۲	۰/۰۸۷	۰/۲۵۳	۰/۵
۶	۰/۱۸۱	۰/۱۱۹	۰/۴۲۷	۰/۳۵۴	۰/۹۲۶	۰/۰۷۴	۰/۳۸۳	۰/۵۲۲
۷	۰/۹۰۸	۰/۹۲	۰/۴۳۹	۰/۳۷۹	۰/۹۱۵	۰/۰۸۵	۰/۳۶۵	۰/۵۵
۸	۰/۹۱۸	۰/۰۸۲	۰/۵۱۸	۰/۴۰۰	۰/۹۲۰	۰/۱۰	۰/۴۵۳	۰/۴۶۷
۹	۰/۱۲۴	۰/۱۷۶	۰/۵۰۶	۰/۳۱۸	۰/۸۷۹	۰/۱۲۱	۰/۴۰۶	۰/۴۷۳
۱۰	۰/۱۴۸	۰/۲۵۲	۰/۵۳۳	۰/۲۰۶	۰/۷۸۰	۰/۳۲۰	۰/۴۶۴	۰/۳۱۵
	۰/۱۳۰	۰/۱۷۰	۰/۴۹۰	۰/۴۳۰	۰/۸۸۰	۰/۱۲۰	۰/۴۱۰	۰/۲۷

منابع: محاسبات پژوهش.

جدول ۴. سهم سرانه انواع هزینه‌های جمعیتی (سال ۱۳۷۲)

ردیف	توزیع									
	شهر					روستا				
کل هزینه	هزینه سرانجام	هزینه خالص	هزینه ناخالص سرانجام	هزینه غیرخوراکی	کل هزینه	هزینه سرانجام	هزینه خالص	هزینه ناخالص سرانجام	هزینه غیرخوراکی	هزینه خوراکی
۱	۰/۳۵۷	۰/۵۴	۰/۲۳	۰/۱۰۱	۰/۲۳	۰/۳۷۷	۰/۲۳	۰/۱۰۱	۰/۲۳	۰/۳۵۷
۲	۰/۵۶۶	۰/۲۳۳	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۵۶۶
۳	۰/۳۴۴	۰/۲۲۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۲۱	۰/۲۲۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۳۴۴
۴	۰/۲۴۵	۰/۲۱۹	۰/۱۱۶	۰/۱۰۱	۰/۲۱۹	۰/۲۱۹	۰/۱۱۶	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۴۵
۵	۰/۲۴۵	۰/۲۸۱	۰/۱۵۴	۰/۱۰۱	۰/۲۸۱	۰/۲۸۱	۰/۱۵۴	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۴۵
۶	۰/۲۷۸	۰/۲۲۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۲۱	۰/۲۲۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۷۸
۷	۰/۲۴۲	۰/۲۸۱	۰/۱۵۷	۰/۱۰۱	۰/۲۸۱	۰/۲۸۱	۰/۱۵۷	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۴۲
۸	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۰/۲۱۷	۰/۱۰۱	۰/۲۳۳	۰/۲۳۳	۰/۲۱۷	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۳۳
۹	۰/۲۱۱	۰/۲۴۶	۰/۲۲۳	۰/۱۰۱	۰/۲۴۶	۰/۲۴۶	۰/۲۲۳	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۲۱۱
۱۰	۰/۳۰۳	۰/۲۷۸	۰/۲۱۷	۰/۱۰۱	۰/۲۷۸	۰/۲۷۸	۰/۲۱۷	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۳۰۳

منابع: محاسبات پژوهش.

یکی از هدف‌های عمده برنامه پنجساله اول، تجدید سازمان و افزایش کارایی بازار، افزایش صادرات غیرنفتی و دستیابی به تخصیص بهینه‌تر منابع کشور بود. در معرض تکانه‌های منفی گسترده همراه با فشارهای تورمی بالنسبه بالای داخلی قرار داشتن اقتصاد در طول دهه ۱۳۶۰، منجر به گرانی بیش از حد پول داخلی شد. گران بودن نرخ رسمی پول داخلی به ویژه در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ شدت یافت و منجر به افزایش چشمگیر تفاوت نرخ بازار موزی و رسمی گردید. این افزایش از ۲۰۰-۳۰۰ درصد در اوایل دهه ۱۳۶۰ به ۵۰۰-۶۰۰ درصد در اواسط این دهه رسید و سپس تا سال ۱۳۶۷ به طور باور نکردنی به بیش از ۲۰۰۰ بالغ گشت.^۱ این اختلاف خارق‌العاده موجب انحراف بسیار قیمت‌های نسبی و تشویق تلاش در کسب پول بدون زحمت به بهای چشم‌پوشی از فعالیت‌های تولیدی بهره‌ور گردید. با درآمدهای رو به کاهش صادرات نفت و افزایش نیاز به کالاهای وارداتی به ویژه در طول سال‌های اول اجرای برنامه، عقلایی نمودن بازار ارز در بالاترین اولویت اقتصادی قرار گرفت.

همزمانی کاهش درآمدهای ارزی با یک رشته سیاست‌های تجاری به صورت برداشته شدن محدودیت‌های ارزی و تجاری موجب تشکیل انتظارات عقلایی در ارتباط با متغیرهای کلان اقتصادی شد، به شکلی که مخارج مصرف خصوصی به قیمت‌های ثابت با رشد بالنسبه اندکی در حدود ۲/۵٪ در سال ۱۳۶۸ در طول سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، به ترتیب، ۱۹/۵٪ و ۹/۵٪ افزایش یافت و در دو سال آخر اجرای برنامه با نرخ آرام‌تر ۵/۱٪ و ۲/۶٪ بالا رفت. رشد بالای تولید و رشد بسیار زیاد مصرف خصوصی در طول سه سال اول اجرای برنامه اساساً از طریق افزایش واردات و استفاده از ظرفیت‌های موجود، به ویژه واردات کالاهای مصرفی نهایی، حاصل شد. واردات کالاها و خدمات از ۱۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به حدود ۲۰/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ رسید و موجب گردید که کسری تراز پرداخت معادل ۹/۵ میلیارد دلار نشان دهد که با کسری ۶/۵ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۱ و ۴/۲ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۲، وضعیت تراز پرداخت‌ها را بسیار وخیم نشان می‌داد.^۲

۱. تازه‌های اقتصاد. (۱۳۷۸). شماره ۸۲.

۲. همان منبع.

با توجه به این کسری‌های زیاد، مداوم و مزمّن ترازپرداخت‌ها و مشکلات بارز دولت در بازپرداخت بدهی‌های خارجی، بانک مرکزی تصمیم گرفت مرحله جدیدی از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز را آغاز کند و در اردیبهشت ۱۳۷۲ اعلام کرد از آن تاریخ به بعد همه معاملات ارزی بخش خصوصی و بخش دولتی باید با نرخ شناور جدیدی که به طور روزانه براساس موازنه عرضه و تقاضای ارز تعیین می‌شود، انجام گیرد. این سیاست تا مهر ماه ۱۳۷۲ بیشتر دوام نیاورد، زیرا کسری‌های مستمر تراز پرداخت‌ها و ناتوانی دولت در بازپرداخت بدهی خارجی که با گذشت زمان در حال افزایش و توأم با تورم بالا و فزاینده بود، موجب توقف سیاست ارزی مربوطه گردید.

کاهش فوق‌العاده واردات و تداوم عدم اطمینان در مورد سیاست‌های نرخ ارز به طور نامطلوبی بر قیمت‌ها تأثیر گذاشت و نرخ تورم (شاخص بهای خرده‌فروشی) از $۲۲/۹\%$ در سال به $۳۵/۲\%$ سال ۱۳۷۲ و سپس به $۳۹/۴\%$ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید.^۱ نظریه‌های اقتصادی بیانیگر این موضوع است که هر گاه شرایط تورمی به ویژه تورم سوزان بر جو اقتصاد حکمفرما باشد، مردم از طریق افزایش تقاضا برای کالاهای بادوام سعی در حفظ قدرت خرید خود دارند. این نمود رفتاری در مخارج مصرفی شهروندان استان اصفهان نیز در سال ۱۳۷۲ مشهود است. وجود زمینه‌های تورمی و تشدید آن مردم را به پیش‌بینی تداوم آن نیز وا داشت و ملاحظه می‌گردد که رفتار مصرفی در سال ۱۳۷۲ به طور کلی با الگوی مصرف سال ۱۳۶۸ تفاوت دارد. در حالی که شکاف هزینه‌های غیرخوراکی بادوام روستا نسبت به شهر افزایش یافته است، یعنی نسبت مصرف شهر به روستا از $۱/۹۸$ در سال ۱۳۶۸، به $۲/۱۳$ در سال ۱۳۷۲ رسیده است، یعنی در سال ۱۳۷۲ هر نفر شهری به طور متوسط $۲/۱۳$ برابر یک نفر روستایی در استان اصفهان صرف هزینه‌های غیرخوراکی بادوام نموده، نسبت مصرف شهر به روستای هزینه‌های خوراکی از $۰/۹۹$ به $۱/۰۳$ رسیده که تغییرات جزئی را در این زمینه منعکس می‌کند. با عنایت به این که هزینه‌های غیرخوراکی بادوام ماهیت سرمایه‌گذاری دارد، با توجه به روند تورمی موجود در کشور این امر افزایش شکاف‌های طبقاتی آتی را نیز برمی‌تابد. (جدول ۱). همچنین سهم هزینه‌های

غیرخوراکی بادوام به شدت افزایش یافته و سهم هزینه‌های خوراکی کاهش یافته است. براساس مبنای نظری موجود در یک فرایند توسعه پایدار به طور منطقی از سهم و نه سطح هزینه‌های خوراکی کاسته شده و به سهم و نه سطح هزینه‌های غیرخوراکی افزوده می‌شود. اما در ایران، طی دوره مورد بررسی، همزمان با کاهش سهم هزینه‌های خوراکی سطح تغذیه‌ای و امنیت غذایی مردم رو به اضمحلال رفته است که این را نمی‌توان به توسعه نسبت داد (جدول‌های ۳ و ۴). احتمالاً بیشتر دلیل این رفتار مصرفی ناشی از شرایط تورمی حاکم بر جامعه بوده که مصرف‌کنندگان به منظور حفظ قدرت خرید و ایجاد کمربند ایمنی در مقابل شرایط غیرقابل پیش‌بینی، بخشی از درآمدی را که علی‌الصول صرف هزینه‌های خوراکی می‌نمایند، به خرید کالا‌های بادوام اختصاص دهند.^۱

۳. وضعیت مقایسه‌ای انواع هزینه

الف) سهم هزینه‌ای

براساس ارقام منعکس در جدول‌های شماره ۳ و ۴، رفتار مصرفی بین دهکی نیز مؤید نظریه‌های اقتصادی موجود در این زمینه است، به این ترتیب که با افزایش سطح هزینه (درآمد) از سهم هزینه‌های کم دوام به ویژه هزینه‌های خوراکی کاسته و بر سهم هزینه‌های بادوام اضافه شده است. این الگوی رفتاری، هم در روستا و هم در شهر اعم از سال ۱۳۶۸ و سال ۱۳۷۲ مشاهده می‌گردد. البته در شهر به دلیل سطوح بالاتر هزینه (درآمد) این تمایز رفتاری بیشتر مشهود است. در حالی که در سال ۱۳۶۸ به طور متوسط سهم هزینه‌های خوراکی، غیرخوراکی کم دوام و غیرخوراکی بادوام در مناطق روستایی، به ترتیب، برابر $۷۷/۲\%$ ، $۲۳/۱\%$ و $۴/۷\%$ بوده در مناطق شهری، به ترتیب، برابر $۴۶/۴\%$ ، $۳۹/۳\%$ و $۱۴/۳\%$ می‌باشد. سهم دهک اول هزینه‌ای به ترتیب ذکر شده برابر $۶۴/۸\%$ ، $۳۲/۸\%$ و $۲/۵\%$ ، در مناطق روستایی و در مناطق شهری برابر $۴۵/۷\%$ ، $۴۳/۲\%$ و $۱۱/۱\%$ می‌باشد. و سهم دهک دهم به ترتیب گفته شده برابر $۳۰/۵\%$ ، $۴۶/۴\%$ ، ۲۲% ، $۲۰/۶\%$ و $۵۴/۲\%$ می‌باشد که خود شاهدهی بر تأیید مدعای طرح شده است (جدول ۳).

۱. برای آشنایی بیشتر با اثرات تغذیه‌ای سیاست‌های تعدیل، نگاه کنید به: بختیاری و همکاران، ۱۳۸۰.

اطلاعات حاصله برای سال ۱۳۷۲ به این نحو قابل انعکاس است که به طور میانگین در مناطق روستایی استان اصفهان سهم انواع هزینه در قالب هزینه‌های خوراکی، هزینه غیرخوراکی کم دوام، هزینه ناخالص غیرخوراکی بادوام، خالص هزینه غیرخوراکی بادوام و کل هزینه کم دوام، به ترتیب، برابر ۴۱٪، ۳۵٪، ۲۴٪، ۲۱٪ و ۷۶٪ می‌باشد و مناطق شهری، به ترتیب، برابر ۲۵٪، ۴۴٪، ۳۱٪، ۲۴٪ و ۶۹٪ است. ارقام فوق برای دهک اول، به ترتیب، ۴۵٪، ۵۲٪، ۲۳٪ و ۹۷٪ در مناطق روستایی و برابر ۳۹٪، ۵۷٪، ۳۲٪، ۱۵٪ و ۹۶٪ در مناطق شهری است. رفتار مصرفی دهک دهم در سال ۱۳۷۲ در مناطق روستایی، به ترتیب، مشخص شده ارقام زیر را ۳۰٪، ۲۷٪، ۴۱٪، ۳۸٪ و ۵۸٪ و مناطق شهری ۱۳٪، ۳۰٪، ۵۵٪، ۵۰٪ و ۴۴٪ منعکس می‌نماید (به جدول ۴ مراجعه شود).

در مناطق روستایی استان اصفهان، نسبت سهم ۱۰٪ غنی‌ترین به ۱۰٪ فقیرترین دهک جمعیت در رابطه با هزینه‌های خوراکی، هزینه‌های غیرخوراکی کم دوام، هزینه غیرخوراکی بادوام و کل هزینه کم دوام و کل هزینه در سال ۱۳۶۸ برابر با ۱۸، نامعین، ۱۲/۵، ۲۴ و ۲۷، در حالی که در سال ۱۳۷۲ برابر ۲۳، ۱۲/۵، نامعین، ۲۴ و ۳۱ است که نشان از نامتوازن‌تر شدن توزیع اغلب هزینه در مناطق روستایی دارد که این خود دلیل دیگری بر افزایش دوگانگی منطقه‌ای در قالب شهر و روستاست. براساس ارقام فوق، شکاف طبقاتی از لحاظ هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی کم دوام کاهش و شکاف طبقاتی هزینه‌های غیرخوراکی بادوام افزایش یافته است، در حالی که توزیع کل هزینه‌ها بهبود یافته است، احتمالاً به این علت که سهم هزینه‌های کم دوام در مناطق روستایی بیشتر است^۱ (جدول ۲)^۲.

ب) وضعیت استان اصفهان نسبت به کل کشور

مقایسه نسبت کل هزینه سرانه مناطق شهری استان اصفهان به کل کشور منعکس‌کننده این مطلب است که گرچه به طور میانگین توزیع استانی با توزیع کشوری هماهنگ است، زیرا این

۱. سهم هزینه‌های کم دوام در سال ۱۳۶۸ در مناطق روستایی ۹۵/۳٪ از کل هزینه‌ها بوده، در حالی که سهم هزینه‌های خوراکی ۷۷/۲٪ می‌باشد. این ارقام، به ترتیب، در سال ۱۳۷۲ به ۷۶٪ و ۴۱٪ رسیده است (جدول ۴).

۲. اطلاعات مربوط به شهر با مراجعه به جدول ۱ قابل مطالعه است.

نسبت برای میانگین کل ۹۹٪ می‌باشد، اما الگوی توزیع بین جمعیتی در مناطق شهری استان اصفهان نامتوازن تر است، زیرا این نسبت تا دهک ششم کمتر از ۱۰۰ درصد و از دهک ششم به بالا بزرگ‌تر از صد در صد می‌باشد. بیشترین اختلاف مربوط به دهک هشتم می‌باشد که نسبت حاصله برابر ۱۱۰٪ است. کمترین این نسبت مربوط به دهک اول که نسبت مربوطه برابر ۳۹٪ است. بنابراین، به لحاظ کل هزینه‌ها شکاف هزینه‌ای در مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور بیشتر است (به جدول ۵ مراجعه شود).

جدول ۵. نسبت کل هزینه سرانه مناطق شهری استان اصفهان به کل کشور

نسبت استان به کشور (درصد)	هزینه سرانه کل		دهک‌های هزینه‌ای
	کشور	استان	
۹۹	۴۸۹۴۹۷	۴۸۶۶۶۰	میانگین
۳۹	۸۹۲۰۱	۳۴۵۵۹	دهک اول
۶۷	۱۵۶۷۰۹	۱۰۴۶۲۷	دهک دوم
۷۴	۲۰۸۸۸۲	۱۵۴۸۶۵	دهک سوم
۸۹	۲۶۲۷۶۳	۲۳۴۸۰۳	دهک چهارم
۹۴	۳۱۹۹۴۷	۲۹۸۸۰۸	دهک پنجم
۹۹	۳۸۴۳۴۹	۳۸۲۷۷۴	دهک ششم
۱۰۴	۴۶۸۱۶۱	۴۸۵۸۷۰	دهک هفتم
۱۱۰	۵۹۰۱۸۶	۶۴۹۰۲۹	دهک هشتم
۱۰۸	۷۹۴۵۳۳	۸۵۵۲۵۵	دهک نهم
۱۰۰	۱۶۱۶۳۳۲	۱۶۶۶۰۱۰	دهک دهم

مأخذ: محاسبات پژوهش.

اگر بخواهیم به توزیع بین جمعیتی هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان نسبت به کل کشور در سال ۱۳۶۸ پردازیم، الگوی ثابتی در این زمینه قابل استخراج نیست. زیرا

نسبت هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان به کل کشور نه تنها به طور میانگین برابر ۸۴٪ است، بلکه برای دهک‌های اول، چهارم، نهم و دهم نیز همین رابطه برقرار است. این در حالی است که نسبت فوق برای دهک پنجم تا هشتم بزرگ‌تر از ۱۰۰ درصد می‌باشد.

جدول ۶. نسبت هزینه خوراکی سرانه مناطق شهری استان اصفهان به کل کشور
(سال ۱۳۶۸)

نسبت استان به کشور	هزینه سرانه خوراکی		دهک‌های هزینه‌ای
	کشور	استان	
۸۴	۱۹۹۸۲۸	۱۶۸۴۱۲	میانگین
۴۹	۳۲۹۷۲	۱۶۰۳۳	دهک اول
۷۶	۶۳۲۱۱	۴۷۷۸۳	دهک دوم
۹۲	۸۶۸۱۶	۷۹۵۸۷	دهک سوم
۹۲	۱۱۱۱۱۹	۱۰۲۴۴۶	دهک چهارم
۱۱۷	۱۳۴۶۰۱	۱۵۷۰۳۶	دهک پنجم
۱۰۳	۱۶۸۴۰۹	۱۷۳۸۰۸	دهک ششم
۱۲۱	۱۹۲۵۹۶	۲۳۲۸۱۳	دهک هفتم
۱۰۲	۲۵۵۳۶۹	۲۵۹۵۰۶	دهک هشتم
۸۲	۳۳۰۷۸۹	۲۷۲۰۷۴	دهک نهم
۵۵	۶۲۰۹۱۱	۳۴۳۱۳۵	دهک دهم

مأخذ: محاسبات پژوهش.

جدول ۶ نشان می‌دهد کمترین نسبت برابر ۵۵٪ و مربوط به دهک دهم و بیشترین این نسبت برای دهک هفتم برابر ۱۲۱٪ می‌باشد. به عبارت دیگر، در مناطق شهری استان اصفهان، گروه‌های متوسط درآمدی در مقایسه با گروه‌های کم درآمد و درآمدهای بالا، مقدار بیشتری

برای هزینه‌های خوراکی، البته در مقایسه با کل کشور، صرف نموده‌اند. این تصویر به وضوح از طریق شاخص‌های نابرابری که یک آماره تجمعی است، قابل استنباط نیست. نکته دیگری که از این الگوی توزیع بین جمعیتی در مورد کل هزینه‌ها و هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان قابل استخراج است، این که گروه‌های با درآمد بالای اصفهانی سهم بیشتری را به هزینه‌های غیرخوراکی به ویژه بادوام اختصاص می‌دهند و می‌توان استنباط کرد مناطق شهری استان اصفهان در سطح رفاه بالاتری قرار دارند.

جدول ۷. نسبت کل هزینه سرانه مناطق روستایی استان اصفهان به کل کشور (سال ۱۳۶۸)

نسبت استان به کشور	هزینه سرانه کل		دهک‌های هزینه‌ای
	کشور	استان	
۱۵۲	۲۳۸۳۵۰	۳۶۲۷۴۱	میانگین
۴۲	۶۰۰۰۵	۲۵۳۳۵	دهک اول
۹۸	۹۵۷۱۴	۹۳۷۸۱	دهک دوم
۱۳۲	۱۲۰۰۳۹	۱۵۸۱۴۱	دهک سوم
۱۵۴	۱۴۳۳۵۳	۲۲۱۳۴۴	دهک چهارم
۱۶۶	۱۶۹۶۱۶	۲۸۱۱۸۵	دهک پنجم
۱۶۹	۱۹۹۰۶۶	۳۳۵۹۲۳	دهک ششم
۱۷۲	۲۳۵۲۲۳	۴۰۵۸۷۰	دهک هفتم
۱۶۲	۲۸۴۱۸۹	۴۵۹۸۰۰	دهک هشتم
۱۸۰	۳۷۰۰۴۲	۶۶۵۱۳۲	دهک نهم
۱۴۰	۷۰۰۰۵۹	۹۸۰۸۸۵	دهک دهم

مأخذ: محاسبات پژوهش.

توزیع بین جمعیتی کل هزینه‌ها در مناطق روستایی استان اصفهان متعادل تر و بالاتر از کل کشور می‌باشد، به طوری که یک روستایی ساکن استان اصفهان معادل ۱۵۲٪ یک روستایی ایرانی به طور متوسط هزینه‌های مصرفی دارد. فقط گروه‌های بسیار کم درآمد روستایی اصفهانی در شرایط

نامساعدتری نسبت به کل کشور قرار دارند. زیرا نسبت کل هزینه‌های مصرفی استان اصفهان به کل کشور برای دهک اول جمعیتی ۴۲٪ و برای دهک دوم ۹۸٪ است و برای بقیه دهک‌ها از ۱۰۰ درصد بیشتر می‌باشد. در این جا نیز دهک نهم با نسبت ۱۸۰٪ بیشترین اختلاف هزینه‌ای را با کل کشور دارد (جدول ۷).

جدول ۸. نسبت هزینه خوراکی سرانه مناطق روستایی استان اصفهان به کل کشور

(سال ۱۳۶۸)

نسبت استان به کشور	هزینه سرانه خوراکی		دهک‌های هزینه‌ای
	کشور	استان	
۱۴۱	۱۱۹۴۷۶	۱۷۰۲۱۰	میانگین
۵۳	۳۴۵۰۷	۱۸۳۰۰	دهک اول
۱۰۴	۵۸۴۹۹	۶۰۷۳۹	دهک دوم
۱۳۱	۷۳۳۴۴	۹۵۸۴۲	دهک سوم
۱۴۹	۸۴۵۳۵	۱۲۵۹۱۷	دهک چهارم
۱۵۸	۹۹۴۸۷	۱۵۷۳۵۰	دهک پنجم
۱۶۱	۱۱۲۸۳۰	۱۸۲۱۶۱	دهک ششم
۱۷۱	۱۳۰۶۰۴	۲۲۳۱۵۵	دهک هفتم
۱۴۷	۱۴۶۰۷۱	۲۱۴۶۳۴	دهک هشتم
۱۷۳	۱۸۱۶۹۸	۳۱۴۵۸۶	دهک نهم
۱۱۴	۲۷۱۱۳۹	۳۰۹۴۱۸	دهک دهم

مأخذ: محاسبات پژوهش.

همین تصویر برای توزیع هزینه‌های خوراکی در مناطق روستایی استان اصفهان قابل ترسیم است، به شکلی که به طور متوسط یک روستایی اصفهانی معادل ۱۴۱٪ یک روستایی ایرانی

صرف هزینه‌های خوراکی می‌نماید. و کمترین نسبت ۵۳٪ مربوط به دهک اول می‌باشد. نکته دیگری که از ارزیابی این ارقام، البته با تردید، قابل استنباط می‌باشد، بزرگ‌تر بودن نسبت هزینه‌های خوراکی مناطق روستایی استان اصفهان به کل کشور است که می‌تواند نمودی از بالاتر بودن سطح تورم در این گونه مناطق در مقایسه با کل کشور باشد (جدول ۸).

۴. مقایسه وضعیت توزیع انواع هزینه‌ها در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۸

هزینه‌های خوراکی در مناطق روستایی استان اصفهان، به طور متوسط، در طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲، ۴۵٪ افزایش یافته است. با توجه به این که وضعیت تغذیه‌ای در مناطق روستایی استان اصفهان در سال ۱۳۷۲ در مقایسه با سال ۱۳۶۸ بهبود یافته است، می‌توان گفت این افزایش هزینه بیشتر صرف بهبود الگوی تغذیه در این گونه مناطق گردیده است. بیشترین افزایش مربوط به دهک دهم و کمترین افزایش مربوط به دهک پنجم می‌باشد (به جدول ۹ مراجعه کنید).

هزینه‌های غیرخوراکی کم دوام، به طور متوسط، در سال ۱۳۷۲ در مقایسه با سال ۱۳۶۸، ۴۳٪ افزایش داشته است. این در حالی است که بیشترین افزایش مربوط به دهک دوم جمعیتی در مناطق روستایی استان اصفهان است که نسبت به سال ۱۳۶۸، پنج برابر شده و کمترین افزایش مربوط به دهک دهم با ۱۶٪ افزایش می‌باشد. این تصویر زمانی که با هزینه‌های غیرخوراکی بادوام سروکار داریم، کاملاً متحول می‌شود، به این ترتیب که هزینه‌های غیرخوراکی بادوام در مناطق روستایی استان اصفهان طی این دوره، به طور متوسط، ۲۴۱٪ (جدول ۹) افزایش یافته که خود شاخص دیگری بر وجود انتظارات تورمی در کشور است. بیشترین افزایش مربوط به دهک سوم جمعیتی با نزدیک شش برابر شدن این نوع هزینه‌ها برای این دهک درآمدی و کمترین افزایش مربوط به دهک اول جمعیتی با ۲۳٪ افزایش می‌باشد. استنتاج دیگری که از این محاسبات با توجه به ماهیت این نوع هزینه‌ها قابل استنباط است، تشدید عدم توازن توزیع درآمد حتی در مناطق روستایی می‌باشد.

جدول ۹. انواع هزینه‌های فرد نوعی جمعیتی استان اصفهان
(مناطق روستایی، ۱۳۷۲)

درصد	کل هزینه ناخالص	کل هزینه خالص	درصد	جمع هزینه‌ها کم دوام	هزینه غیرخوراکی بادوام خالص	درصد	هزینه غیرخوراکی بادوام ناخالص	درصد	هزینه غیرخوراکی کم دوام	درصد	هزینه خوراکی	دهک‌ها
۷۲/۶۸	۵-۸۱۸۸	۵۸۵۵۸۴	۱۴۹	۴۱۷۱۹۸	۱۲۵۳۱۰	۳۴۱	۱۴۷۸۱۴	۱۴۳	۲۱۴-۵۲	۱۴۵	۲۴۶۲۲۲	میانگین
۲۵۰	۵۳۳۵۶	۵۳۳۵۶	۲۵۶	۶۱۸۹۴	۱۴۶۱	۱۳۳	۱۴۶۱	۵۶۲	۳۱۹۱۴	۱۵۸	۲۸۹۸۱	۱
۱۶۷	۱۵۶۵۸۸	۱۵۵۹۱۹	۱۶۲	۱۴۸۶۶۲	۷۲۵۶	۳۳۴	۷۸۲۵	۲۱۶	۶۶۲۴۶	۱۳۶	۸۲۴۱۶	۲
۱۵۹	۲۵۱۳۴۰	۲۴۴۵۹۱	۱۴۸	۲۲۹۹۷۱	۱۴۶۲۰	۵۵۵	۲۱۲۶۹	۱۹۰	۱۰۰۵۸۹۳	۱۲۹	۱۲۴۰۷۸	۳
۱۵۲	۳۳۶۴۲۰	۳۳۰۶۸۴	۱۴۰	۲۹۱۷۵۴	۳۳۴۳۰	۴۳۹	۳۹۱۶۶	۱۶۳	۱۴۰۸۳۲	۱۳۴	۱۵۶۴۲۲	۴
۱۴۵	۴۰۹۰۶۴	۴۰۳۱۵۸	۱۳۵	۳۳۵۹۶۵	۵۷۱۹۳	۲۵۷	۶۲۰۹۹	۱۵۷	۱۵۵۷۰۶	۱۲۱	۱۹۰۲۵۹	۵
۱۵۰	۵۰۲۹۸۶	۴۹۵۷۰۳	۱۴۵	۲۵۲۲۹۱	۴۳۴۱۲	۲۰۳	۵۰۶۹۵	۱۶۴	۲۱۱۶۸۳	۱۳۳	۲۴۰۶۰۸	۶
۱۵۳	۶۲۰۸۰۳	۶۰۵۶۹۴	۱۴۱	۵۲۳۳۳۴	۸۳۳۷۰	۲۸۲	۹۱۳۷۹	۱۵۹	۲۳۶۴۲۳	۱۲۸	۲۸۵۹۰۱	۷
۱۷۵	۸۰۴۴۶۵	۷۷۵۵۲۴	۱۴۷	۶۶۲۹۹۴۷	۱۴۵۵۷۵	۴۷۵	۱۷۴۵۱۸	۱۳۵	۲۸۰۶۹۸	۱۶۳	۳۴۹۲۴۹	۸
۱۵۶	۱۰۳۰۵۹۲	۹۷۶۰۹۰	۱۳۸	۸۰۸۰۲۱	۱۶۸۰۶۹	۲۹۰	۲۳۳۵۷۱	۱۴۱	۳۸۰۸۳۶	۱۳۶	۴۲۷۱۸۵	۹
۱۹۳	۱۸۶۳۵۷	۱۸۰۵۱۲۴	۱۴۴	۱۱۰۵۴۰۹	۶۹۹۷۱۴	۲۶۶	۷۹۰۹۴۸	۱۱۶	۱۲۹۷۸۴	۱۸۶	۵۷۶۱۲۵	۱۰

منابع: محاسبات پژوهش.

وضعیت هزینه‌های کم دوام، اعم از خوراکی و غیرخوراکی، این گونه است که به طور متوسط ۴۹٪ در مناطق روستایی استان اصفهان افزایش یافته است. بیشترین افزایش برای هزینه‌های کم دوام مربوط به دهک اول جمعیتی با بیش از ۲/۵ برابر شدن و کمترین افزایش مربوط به دهک پنجم با ۳۵٪ افزایش می‌باشد. اصولاً روند افزایش هزینه‌های کم دوام اعم از خوراکی و غیرخوراکی کمتر از یک در حالی که افزایش هزینه‌های بادوام بیش از یک می‌باشد. کل هزینه‌های مصرفی در مناطق روستایی استان اصفهان طی مدت فوق ۶۸٪ افزایش یافته است. بیشترین افزایش مربوط به دهک اول با ۲/۵ برابر شدن و کمترین تغییر مربوط به دهک پنجم با ۴۵٪ افزایش می‌باشد (جدول ۹).

هزینه‌های خوراکی در مناطق شهری استان اصفهان، به طور متوسط، در طی مدت ۱۳۶۸-۱۳۷۲، ۵۱٪ افزایش یافته است با توجه به این که وضعیت تغذیه‌ای در مناطق شهری استان اصفهان طی روند بدتر شده، می‌توان گفت این افزایش هزینه بیشتر صرف جبران قدرت خرید از دست رفته در نتیجه تورم در این گونه مناطق گردیده است. اما این جبران قدرت خرید به اندازه‌ای نبوده که بتواند وضعیت تغذیه‌ای شهرنشینان اصفهانی را حفظ کند. بیشترین افزایش مربوط به دهک اول با بیش از ۴ برابر شدن این نوع هزینه‌ها و کمترین افزایش مربوط به دهک هفتم با ۲۷٪ افزایش می‌باشد (به جدول ۱۰ مراجعه کنید).

هزینه‌های غیرخوراکی کم دوام، به طور متوسط، طی مدت فوق ۸۵٪ افزایش داشته است. این در حالی است که بیشترین افزایش مربوط به دهک دوم جمعیتی در مناطق شهری استان اصفهان که نسبت به سال ۱۳۶۸، بیش از هفت برابر شده، کمترین افزایش مربوط به دهک دهم با ۱۷٪ افزایش می‌باشد. در این جا نیز تصویر زمانی که با هزینه‌های غیرخوراکی بادوام سروکار داریم، متحول می‌شود. به این ترتیب که هزینه‌های غیرخوراکی بادوام در مناطق شهری استان اصفهان طی این دوره، به طور متوسط، ۲۸۷٪ (جدول ۱۰) افزایش یافته که این نیز خود شاخص دیگری بر وجود انتظارات تورمی در کشور است. بیشترین افزایش مربوط به دهک هشتم جمعیتی با نزدیک شش برابر شدن این نوع هزینه‌ها برای این دهک درآمدی و کمترین افزایش مربوط به دهک اول جمعیتی با ۹٪ افزایش می‌باشد. استنتاج دیگری که از این محاسبات با توجه به

ماهیت این نوع هزینه‌ها قابل استنباط است، تشدید عدم توازن توزیع درآمد در مناطق شهری است.

وضعیت هزینه‌های کم دوام، اعم از خوراکی و غیرخوراکی، این گونه است که به طور متوسط، ۶۱٪ در مناطق شهری استان اصفهان طی این مدت افزایش یافته است. بیشترین افزایش برای هزینه‌های کم دوام مربوط به دهک اول جمعیتی یا بیش از ۵/۵ برابر شدن و کمترین افزایش مربوط به دهک دهم با ۲۲٪ افزایش می‌باشد. در این گونه مناطق هم افزایش هزینه‌های کم دوام، اعم از خوراکی و غیرخوراکی، کمتر از یک و افزایش هزینه‌های بادوام بیش از یک می‌باشد. کل هزینه‌های مصرفی در مناطق شهری استان اصفهان طی روند فوق ۱۰۷٪ افزایش یافته است. بیشترین افزایش مربوط به دهک دوم با ۳/۵ برابر شدن و کمترین تغییر روندی مربوط به دهک‌های هشتم و نهم با ۸۰٪ افزایش می‌باشد (جدول ۱۰).

در نتیجه، رفتار مصرفی شهروندان اصفهانی نیز از کارکرد متغیرهای کلان متأثر می‌باشد. به ترتیبی که روند افزایش هزینه‌های مصرفی در الگوی مصرفی آنان نیز پدیدار است.

۵. استنتاج و رهیافت

براساس نتایج این پژوهش، انواع هزینه‌های مصرفی طی روند افزایش یافته و می‌توان نتیجه گرفت:

- وجود شرایط تورمی ناشی از سیاست‌های اجرایی یکی از عوامل اصلی این افزایش بوده و این شرایط موجب افزایش شکاف طبقاتی شده است.

- در مناطق شهری افزایش هزینه با بدتر شدن وضعیت تغذیه‌ای همراه بوده است. به این مفهوم که میزان و میدان اثر شرایط تورمی در مناطق شهری استان اصفهان احتمالاً به دلیل وابستگی بیشتر این مناطق به نظام‌های حمایتی دولتی، گسترده‌تر بوده است.

- از آن جا که دوره مورد بررسی همزمان با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سطح کلان بوده، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً اعمال سیاست‌های تعدیل شرایط اقتصادی، توزیع درآمد و به ویژه وضعیت تغذیه‌ای ساکنان اصفهان را نامساعدتر نموده است.

- رفتار شهروندان اصفهانی نیز از کارکرد متغیرهای کلان متأثر می‌باشد، به ترتیبی که روند افزایش هزینه‌ها در الگوی مصرف آنان هماهنگ روند افزایش هزینه‌های مصرفی در سطح کلان می‌باشد.
- نظام حمایتی در ایران به جای این که به گروه‌های آسیب‌پذیر ماهیگیری بیاموزد، به آنان ماهی می‌دهد. این موضوع از وضعیت توزیع هزینه‌ها کاملاً مشهود است. یعنی در حالی که هزینه‌های خوراکی به شکل نسبتاً متوازی توزیع شده است، عمدتاً به علت نظام حمایتی موجود، توزیع هزینه‌های غیرخوراکی بادوام کاملاً نامتوازن می‌باشد.
- در زمینه هزینه‌های خوراکی نتایج براساس مقادیر اسمی با نتایج براساس مقادیر واقعی متفاوت است، به این ترتیب که براساس مقادیر واقعی وضعیت تغذیه‌ای ساکنان استان اصفهان، به ویژه در مناطق شهری، رو به اضمحلال بوده است.

منابع

الف) فارسی

- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۷۵). پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران (۶۳-۱۳۳۵).
اطلاعات سیاسی -- اقتصادی. شماره ۱۰۹-۱۰۸، ص ۱۷۰-۱۵۴.
- انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران. (۱۳۷۸). جدول ترکیبات مواد غذایی ایران.
- بختیاری، صادق و همکاران. (۱۳۸۰). سیاست‌های تعدیل اجرا شده در برنامه اول و امنیت غذایی در استان اصفهان. پژوهشنامه بازرگانی. فصلنامه شماره ۱۹، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- پژویان، جمشید. (۱۳۷۳). سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی.
- _____. (۱۳۷۳). تحلیلی بر تأثیر سیستم حمایتی در کیفیت تغذیه گروه‌های درآمدی ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. سال دوم، شماره ۲، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۷۹). امنیت غذایی و برآورد آن در ایران. پژوهشنامه بازرگانی. فصلنامه شماره ۱۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سوزان، جورج. (۱۹۷۶). چگونه نیمی دیگر می‌میرند. (مهدی قره‌باغی، مترجم). انتشارات نی.
- طیبیان، محمد و همکاران. (۱۳۷۷). بررسی تحول سطح رفاه و توزیع آن، خط فقر و مشخصات اقشار فقیر. مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۵). بررسی برخی علل اقتصادی مؤثر در مهاجرت نیروی کار ایران. وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- مرزوقی، حسن. (۱۳۷۸). امنیت غذایی در کشورهای اسلامی. پژوهشنامه بازرگانی. فصلنامه شماره ۱۰، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- _____. (۱۳۷۸). سیاستهای ارزی و تجاری در اقتصاد ایران. تازه‌های اقتصاد. شماره ۸۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۵). استان‌ها و سهم از بودجه و تولید ملی. مجلس و پژوهش. شماره ۲۱.

(ب) انگلیسی

- Atkinson, Anthony B. (1975). *Economics of Inequality*. Oxford: Clarendon Press.
- Bakhtiari S. (1993). *A Theoretical and Empirical Analysis of Income Distribution and Inequality*. PH.D. Desertation. Canada: University of Ottawa.
- Barrera-Flores, Jose G. (1982). *Ph.D Thesis*. Presented to the University of Ottawa, Canada.
- Bartels, C.P.A. (1977). *Economic Aspects of Regional Welfare*. Leaden: Martinus Nijhoff, Social Sciences Division.
- Burr, I.W. (1942). Cumulative Frequency Functions. *The Annals of Mathematical Statistics*. Vol. 13. pp. 215-232.
- Champernowne, D.G. (1974). A comparison of Measures of Inequality of Income Distribution. *The Economic Journal*. Vol. 84, No. 336, pp. 787-816.
- Chenery, H. John Duloy and Richard Jolly. (1974). *Redistribution with Growth: An Approach to Policy*. Washington D.C. World Bank.
- Dagum, C. (1977). A New Model of Personal Income Distribution: Specification and Estimation. *Economie Appliquee*. 30, pp. 413-436.
- _____ . (1980). Generating Systems and Properties of Income Distribution Models. *Metron*. Vol. 38, No.3-4. pp.1-26.
- _____ . (1980). Inequality Measures Between Income Distribution with Applications. *Econometrica*. Vol.48, No. 7. pp. 1791-1803.
- Dagum, C., B. Barletti, K Chiu, and L.L. Gunaratne. (1983). *Econometric Package of Income Distribution Model*. Statistics Canada, Time Series Research and Analysis Division. 83-01-003-E.
- Dagum, C. (1990). Generation and Properties of Income Distribution Functions. In Dagum, C. and Zanga (eds). *Income and Wealth Distribution, Inequality and Poverty*. Springer-Verlag.
- Fisk. P.R. (1961). The Graduation of Income Distribution. *Econometrica*. Vol. 29. No.2, pp. 171-185.

- Mandelbrot, B. (1960). The Pareto-Levy Law and the Distribution of Income. *International Economic Review*. Vol. 1. No. 1, pp. 9-106.
- Rutherford, R.S.G. (1955). Income Distribution: A New Model. *Econometrica*. Vol. 23. No. 3, pp. 277-294.
- Salem, A.B. and T. D. Mount. (1974). A Convenient Descriptive Model of Income Distribution: the Gamma Density. *Econometrica*. Vol. 42, No. 6, pp. 1115-1127.
- Singh, S. K. and G. S. Maddala. (1976). A Function for Size Distribution of Incomes. *Econometrica*. 44(5). pp. 963-970.
- Tinbergen, Jan. (1975). *Income Distribution Analysis and Policies*. North Holland Publishing Company.

منتشر می‌شود

فضای بین‌المللی تجارت

رقابت و حاکمیت در اقتصاد جهانی

نویسنده: جرالدام. مه‌یر

مترجم: علی حبیبی